

# اثرات توزیع فضایی سکونتگاه های روستایی بر توسعه شهر همدان

(نمونه موردی - دهستان هگمتانه)

عباس ملک حسینی

دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد اراک

محمود امیری

## چکیده

سکونتگاه های روستایی به عنوان چشم انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولات در بافت کالبدی - فضایی خود شده اند که این امر موجب پدید آوردن مشکلات و نارسایی های فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاها شده است. در این راستا شهرها به عنوان کانون برتر در فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده ای بر روند دگرگونی فضایی روستاها با اشاعه الگوها و شیوه های معیشتی خود داشته اند. در این بین تأثیرات شهر و روستا بر یکدیگر و اثرات هر کدام در ابعاد مختلف بسیار پیچیده است. توزیع و پراکنش فضایی روستاها در محدوده های پیرامونی شهرها به ویژه در حدود بلافصل به نسبت روستاهای دیگر شهری زیاد می باشد و به تبع این اثرات مسکن روستایی به عنوان شاکله اصلی سکونتگاهی برای استفاده بهینه ساکنین آن نیازمند تغییر در شکل سیما و تبع کارکرد خود در تأثیر پذیری از این تحولات و به تقلید از محیط های شهری می باشد. از این رو در تحقیق حاضر با رویکردی کاربردی و با تکیه بر اطلاعات کتابخانه ای و میدانی بر تحلیل و بررسی جایگاه روستا و شهر در پهنه های فضایی پرداخته شده و اثرات پراکنش و توزیع سکونتگاههای روستایی در شهرها و روند تغییرات حاصل از فرایند زمان و مکان در روستاها به تبعیت از زندگی شهری می پردازد.

واژگان کلیدی: فضا، سازمان فضایی، سکونتگاه شهر، روستا، سطح بندی فضا

## مقدمه

جوامع شهری به عنوان بخشی از نظام سلسله مراتب سکونتگاههای کشور در طی دهه های اخیر با توجه به دگرگونی های حاصل از سیاستهای اجتماعی - اقتصادی بخشهای دولتی و خصوصی، ضمن ایجاد رابطه ای پیچیده و تنگاتنگ با جوامع روستایی دستخوش تغییرات و دگرگونی های بسیاری در عرصه کالبدی - فضایی خود شده اند که شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی ها در راستای برنامه ریزی فضایی و ارائه الگویی مناسب جهت توسعه و آبادانی شهر و روستاها و نیز فراهم نمودن محیط زیستی شایسته و در خور مهم می باشد.

در این بین بافت کالبدی - فیزیکی به عنوان تجلی گاهی از شیوه زیستی - فرهنگی (چه نتیجه یک روند شکل پذیری مبتنی بر برنامه و یا حاصل برپایی و گسترش خود به خودی باشد) در گذر زمان و با تغییر در ساختار و کارکردها و پدید آوردن نیازمندیهای نوین اگر نتواند خود را با شرایط زمان و مکان آن جامعه سکونتگاهی وفق دهد به مرور باعث ایجاد عدم رفاه اجتماعی، توسعه نیافتگی روستایی و شهری و در نهایت آشفته گی کالبدی خواهد گشت.

به دنبال این تحولات، کالبد شهری به عنوان جزئی اصلی از عناصر شکل دهنده در فضا از این تغییرات مصون نبوده و برای از دست ندادن کارایی واقعی خود باید در این دگرگونی ها برای رسیدن به کارکردی مطلوب و فراهم نمودن محیطی امن توأم با رفاه نسبی برای ساکنان آن سهیم شود.

با این تحولات فضایی در عرصه روستاها و بروز مشکلات و نارسایی های منتج از آن در شیوه سکونت و معیشت ساکنان آن همراه با پیچیده شدن هرچه بیشتر روابط و مناسبات شهر و روستا (به نوعی وابستگی روز به روز روستاییان به شهر) و به دنبال آن تاثیر پذیری از محیط های شهری و تقلید از آداب و رسوم زندگی و شیوه های سکونتی آن (برای به دست آوردن زیستی دلخواه و شایسته) بافت و سیمای فضایی - کالبدی روستاها به شدت دستخوش دگرگونی و تحول گردید.

از این رو بافت و مسکن شهر و روستاها نیز هماهنگ با سایر اجزا و بافت سکونتگاهها مورد تحول و بازنگری قرار گرفته است. با این تفاسیر در تحقیق حاضر ضمن بررسی فرایند زمانی و مکانی تحولات کالبدی شهری - روستایی و تغییرات حاصله از تاثیر پذیری این روند از محیط های شهری - روستایی به صورت متقابل به واسطه مکانیزمهای خاص روابط با رویکردی تحلیلی - توصیفی متکی بر کار کتابخانه ای

و میدانی به تحلیل عوامل موثر بر این دگرگونی (از جمله شهر و روستا) و مهمتر از همه جایگاهی که کالبد میتواند در این تحولات و تاثیر پذیری ایفا نماید، با تاکید بر کانونهای روستایی مجاور شهر همدان تحت عنوان دهستان هگمتانه می پردازد. روستاهای این دهستان از حدبلافاصل شهر شروع شده و تا فواصل دورتری که برخی نیز بصورت بن بست در انزوا واقع شده اند بررسی شده است. یعنی هم روستاهای مجاور بافت و هم روستاهای دورتر که مجموعاً در یک شرایط ناهمگن توزیع شده اند بررسی و اثرات این توزیع فضایی در کالبد شهری و اثرات متقابل آن تشریح گردیده است.

### وضعیت نظام سکونتگاههای روستایی کشور و استان همدان

نظام سکونتگاههای روستایی در کشور ما به الزامات توسعه و تحول در شرایط کنونی سازگار نیست. این نظام در خلال دورانی مدید به دلیل مقتضیات طبیعی و شرایط اجتماعی شکل گرفته است. علاوه بر این تلاشهای توسعه در ایران بیشتر مبتنی بر رهیافتی کاملاً بخشی بوده است. در واقع استقرارگاههای روستایی برآیند و تبلور مکانی - فضایی پیوندهای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی می باشند که در بستر محیط طبیعی و فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی در چارچوب روابط متقابل انسان و محیط سازمان یافته اند در کشور ایران، به دلیل ماهیت غیردموکراتیک نظام اجتماعی - اقتصادی از گذشته های دور تاکنون به همراه تنوع و گوناگونی در شرایط محیط طبیعی و محیط اجتماعی - فرهنگی به نوعی از مناسبات و روابط مکانی - فضایی و نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها منتهی شده که می توان عنوان دوگانگی فضا در قالب قطب (نظام شهری) و پیرامون حوزه های روستایی را برآن اطلاق نمود. حاکم شدن اقتصاد رانتی، دولت رانتی به ویژه از دهه ۱۳۴۰ تاکنون و خواست اراده حاکمیت سیاسی و دولت برنامه ای توسعه گرا جهت تسریع بخشیدن به روند رشد و توسعه و اقدامات از بالا به پایین با اهرمهای برون زا به اختصاص بیشترین امکانات توسعه ای به شهرها شد، با این تصور که تجمع زیرساخت ها و سرمایه ها در شهرها زمینه انتشار و پخش توسعه به سایر نقاط سرزمین را میسر خواهد ساخت. لیکن گذشت زمان نشان داد، شهر که تا پیش از این رشدی محدود و مشروط داشت و در ارتباط با مجموعه های روستایی پیرامون خود بود. ارتباط آن با فضاهای روستایی اطراف به نسبت گذشته گسسته شد و مستقل از آنها به رشد و توسعه خود ادامه داد. به دنبال این شرایط شهر برای رشد و توسعه خود با دست

اندازی به منابع طبیعی و انسانی پیرامون و انتقال آنها در خود، روابطی را با حوزه های روستایی اطراف خود برقرار کرد که از ماهیتی نابرابر و نامتعادل برخوردار است. پیامد این شرایط تضعیف رو به تزاید فضاها و روستایی و قطبی شدن جمعیت فعالیتها و امکانات در شهرها به علت صرفه جویی های ناشی از مقیاس شد. این در حالی بود که عرصه های روستایی علی رغم دارا بودن امکانات مورد نیاز رشد و توسعه نیافتند و در نهایت چنین شرایطی منجر به شکل گیری نابسامانی در عرصه های اقتصادی - اجتماعی و سازمان فضایی سکونتگاههای روستایی گردید. به طوری که عدم بالندگی نیروهای مولد و روابط تولیدی، مهاجرت های شدید از نقاط روستایی به شهرها، عدم تعادل در ساختار فضایی سرزمین و قطبی شدن جمعیت و فعالیتها و تاسیسات زیربنایی در شهرها و محدوده های معین، عدم وجود سلسله مراتب منظم و منطقی در مرتبه و اندازه سکونتگاهها، تخلیه بی رویه روستاها، عدم گسترش فعالیتها و اقتصادی غیرکشاورزی در روستاها تسلط و تقدم شهرها بر فضاها و روستایی و عدم بهره برداری مناسب از امکانات و تخریب محیط زیست از مهم ترین آنها می باشند. به علاوه نابسامانی در عملکرد نظام فضایی استقرارگاههای زیستی در ایران به دلایل اقتصادی و محدودیت آب و خاک است که موجب پیدایش شرایط متنوع در جهات مختلف جغرافیایی آن گشته و سبب توزیع غیرهمگن و ناموزون جمعیت کشور شده است. براین مبنا در برخی قسمتها جمعیت انبوه و تراکم و در پاره ای مناطق پراکنده است. همچنین بعضی از مناطق شهری سهم عمده ای از جمعیت را در خود جای داده اند. این در حالی است که بسیاری از سکونتگاههای روستایی دارای جمعیت اندک هستند.

### وابستگی های شهری و روستایی

روابط متقابل بین شهر و روستا به عنوان یکی از مهمترین عوامل موثر در بروز تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه های شهری و روستایی شناخته شده است. در نظریه های توسعه به طور عمده بردوگانگی منظر شهر و روستا تاکید شده است و در این راستا برنامه ریزان شهری با تمرکز بر گروه های شهری توجه اندکی به کشاورزی و برنامه ریزی با جهت گیری به سمت نواحی روستایی داشته اند در حالی که برنامه ریزان توسعه روستایی نیز با تاکید بر روستا و اراضی کشاورزی کمتر به فضای شهری و تاثیر آن در توسعه روستایی پرداخته اند. روند روبه رشد جریان مردم، کالاها، پول، فناوری، اطلاعات و تنوع شغلی میان شهر و روستا فرآیندی پویا و منعکس کننده تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

نیازمند درک عمیق از شرایط موجود در ارتباط نواحی شهری و روستایی است. با شکل گیری پیوندهای مصرف، تولید و روابط مالی میان شهرها و روستاها و نیز شکل گیری جریان های متنوع از کالاها، خدمات، اطلاعات و تولید میان شهرها و روستاها روابط فضای آنها در یک الگوی یک پارچه ناحیه ای مورد تاکید برنامه ریزان و مدیران محلی قرار گرفته است. براین مبنا سیاست گزاران و به ویژه مدیران محلی تمایل دارند تا؛

- ۱- ماهیت پیوندها و جریان های حاکم میان شهرها و روستاها را شناسایی کنند.
- ۲- موقعیت در حال تغییر شهرکها و به ویژه در ممانعت از جریان مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ را بررسی کنند.
- ۳- آینده روابط شهر و روستا به ویژه در اطراف شهرهای بزرگ را مورد تحلیل قرار دهند. می توان بیان کرد که برای یک خانوار روستایی چشم اندازهای زندگی هم از عناصر شهری و هم از عناصر روستایی تأثیری پذیرد. به عبارتی پیوندهای روستا - شهر قسمتی از واقعیت های زندگی روزانه یک خانوار ساکن نواحی روستایی است.

### بررسی ویژگی های کالبدی - فضایی روستایی دهستان و شهر همدان و نحوه تکوین کالبدی روستاها با شهر در دوره های مختلف تاریخی گذشته

عوامل گوناگونی درانتخاب موقعیت ونحوه استقرار مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی دخالت دارند در این راستا اگرچه گاهی عاملی به تنهایی برجسته شده و نقش تعیین کننده بازی می کند اما در این میان قاعدتا عوامل مختلف طبیعی و فرهنگی بصورت مجموعه ای مرتبط هر یک سهمی به عهده می گیرند. از سوی دیگر با توجه ویژگی های زمانی و مکانی ویژگی های طبیعی و انسانی نزد گروه های مختلف انسانی دارای تأثیر و ارزش متفاوتی هستند. این گونه ارزش گذاری به درجه و سطح تکامل اجتماعی - اقتصادی، پایگاه اجتماعی و نقش فرهنگی و مانند آن نیز بستگی تام دارد. بنابراین باتوجه به تأثیر عوامل گوناگون و ارزیابی متفاوت از خصوصیات هریک از آنها می توان نتیجه گرفت که از یک سو ممکن است شرایط طبیعی سیال در ارتباط با ساختارهای مختلف فرهنگی و سطح متفاوت تکامل اجتماعی - اقتصادی به نحوه استقرار یکسان منجر نشود و از دیگر سو، انتخاب موقعیت و نحوه استقرار مشابه در دو یا چند

مکان به هیچ روبه معنای تأثیرگذاری عوامل مشابه نیست. در واقع عوامل گوناگون طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، نظامی، ارتباطی و مانند آن هستند که به یک سکونتگاه از نظر مکانی - فضایی شخصیتی خاص می بخشد. براساس چنین چهارچوبی تغییر هریک از این عوامل متنوع می تواند به دگرگونی اهمیتی و نقش آن منجر شود. علاوه براین در حالی که ویژگی های محیط طبیعی از لحاظ ریخت شناسی در معرض مشاهده و بررسی قرار داشته و نسبتاً پایدار هستند، عوامل طبیعی فرهنگی (به مفهوم فرهنگ مادی و معنوی) به صورت عناصری که پویا و ناپایدار هستند عمل می کنند از این رو، شناسایی این گونه ویژگی های سکونتگاه های انسانی با پیچیدگی مطالعاتی بیشتری همراه است. از سوی دیگر هرگونه دخالت در تغییر محل استقرار و جابجایی این گونه سکونتگاه ها مستلزم شناخت دقیق و همه جانبه این روند هاست. روندهایی که موجب می شوند تا سکونتگاه ها به صورت گوناگون برپاشده شکل گیرند و از نظر مکانی به نحوی متنوع تحت تأثیر عوامل گوناگون توزیع یابند.

سکونتگاههای روستایی استان همدان، در طی سالهای متمادی و با توجه به خصوصیات طبیعی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی شکل گرفته اند. در این استان روستاها در دو وضعیت جغرافیایی مستقرند گروهی در جلگه ها و گروهی در کوهستان یا دامنه ها قراردارند که به تبع آنها جمعیت روستایی نیز به همین حال تقسیم و پراکنده شده است. نگاهی به نقشه استان نشان می دهد که محل ایجاد یا گسترش، بقایا یا نابودی مسکونی و آبادی ها علاوه بر شکل جغرافیایی و طبیعی زمین، متأثر از عوامل زیر نیز هستند:

- رودخانه های اصلی و فرعی و منابع آب

- استعداد خاک و زمین برای زراعت یا دامداری

- راه ها و وسایل ارتباطی

- مراکز اقتصادی برای فروش تولیدات یا تهیه مواد اولیه یا لوازم مورد نیاز

- مرکز بهداشت و درمان و آموزش

- سایر خدمات عمومی و رفاهی

- قومیت فرهنگی ملی

توپوگرافی شرایط اقلیمی، منابع آب (آبهای سطح الارض و زیر زمینی) دشت های گسترده با خاک حاصلخیز و مساعد برای کشاورزی از جمله مهمترین عواملی هستند که در پراکنش فضایی آبادیها و

سکونتگاه های روستایی گستره های استان موثر بوده اند ارتفاعات استان همدان که در امتداد شمال غربی تا جنوب شرقی ادامه دارد این استان را به دو ناحیه شمال شرقی و جنوب غربی تقسیم کرده است. این گستره های کوهستانی به دلیل ناهمواریها و ارتفاعات زیاد محدوده مناسبی برای اسکان جمعیت و فعالیت فراهم نموده و الگوی استقرار جمعیت در این گونه فضاها به صورت خطی در راستای دره ها و حاشیه رودخانه هاست. همچنین در محل تقاطع کوه و دشت در دامنه ارتفاعات و قسمت عملیاتی دشتهای نیز آبادیهایی به صورت خطی استقرار یافته است. ارتفاعات و ناهمواریها نه تنها در اندازه و میزان جمعیتی کانونهای روستایی سهم قابل توجهی دارند بلکه حتی تعیین کننده نوع معیشت غالب خانوارهای ساکن در روستاهای استان نیز به شمار می روند در حقیقت دآمداری معیشت غالب روستاهای مناطق کوهستانی و کوهپایه ای را تشکیل می دهد. حال آنکه با کاهش ارتفاع در کنار دسترسی به آب بیشتر و زمین هموارتر از نقش دآمداری به عنوان فعالیت غالب به نفع زراعت و تاحدودی باغداری کاسته می شود، چراکه هر جا دسترسی به منابع دائمی و کافی آب وجود داشته باشد. سکونتگاه های روستایی تکوین یافته اند. بنابراین براساس میزان و کیفیت آب و زمین زراعی در دسترس، توان جذب جمعیت نیز در نقاط مختلف تغییر می یابد.

### ارزیابی ضریب همبستگی عامل توپوگرافی در توزیع فضایی سکونتگاههای روستایی دهستان

ضریب همبستگی محاسبه شده برای دو عامل توپوگرافی و جمعیت ( $r = 0.56$ ) یک ضریب معنی دار بوده و نشان دهنده ضریب همبستگی معکوس ناقص نزدیک به همبستگی معکوس کامل می باشد. در این نوع همبستگی متناسب با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می یابد و هر میزان کاهش آن در هر طبقه هم اندازه نسبت این ضریب در مورد عامل توپوگرافی و توزیع سکونتگاهی نیز همبستگی ناقص و معکوس است و از شدت برخوردار نیست اما دارای ارزش است. به طور کلی نتایج به دست آمده نشان می دهد که توزیع جمعیت بیشتر از توزیع سکونتگاهها از ارتفاع تبعیت می کند. اگر بین دو متغیر همبستگی کامل برقرار باشد متناسب با افزایش ارتفاع میزان جمعیت به طور متناسب افزایش یا کاهش می یابد. در دهستان از تعداد جمعیت و سکونتگاهها متناسب با افزایش ارتفاع کاسته شده ولی روند کاهشی در مورد جمعیت از نظم برخوردار بوده است در حالی که سکونتگاهها چنین نظمی را نشان نمی دهند. به

عبارت دیگر عوارض طبیعی در مکان گزینی و پراکندگی حوزه نفوذ توسعه فیزیکی سکونتگاهها و جمعیت روستاها اثر بارز دارد. در تحلیل توپوگرافی دهستان در خصوص چگونگی توزیع جمعیت و سکونتگاهها سه تیپ عمده از روستاها وجود دارند.

۱- روستاهای جلگه ای از ارتفاع ۱۷۵۰ متر که تعداد ۹ روستا از ۱۳ روستای سکونتگاههای روستایی دهستان را شامل می شود. این بخش از سکونتگاههای روستایی به صورت یک دشت همواره با شیب ملایم و کم است و چهره ای یکنواخت دارد. بنابراین خصایص جغرافیایی هموار و همگن بودن و در ادوار گذشته شرایط جغرافیایی خوب و مساعدی برای اسکان انسان داشته است. توزیع فضایی سکونتگاهها نسبت به مناطق کوهستانی منظم تر است و فضای جغرافیایی مورد اسکان اینگونه روستاها از نوع محیط پایدار بودن و بافت فیزیکی روستاها به جهت جغرافیایی باز است.

۲- روستاهای جلگه ای - کوهستانی در ارتفاع ۲۰۰۰ - ۱۷۵۰ متر را شامل می شود که بافت فیزیکی این روستاها در مقایسه با روستاهای کوهستانی از فشردگی کمتر و نسبت به روستاهای منطقه های هموار از فشردگی بیشتری برخوردار است هرچند که در دهستان مورد مطالعه روستایی جلگه ای - کوهستانی نداریم.

۳- روستاهای کوهستانی که در ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر استقرار یافته اند که تعداد روستاهای واقع در این ارتفاع در دهستان ۴ روستا می باشد که از لحاظ تراکم و پراکندگی جمعیت و تعداد سکونتگاهها نامنظم و اصولاً از مورفولوژی نامناسبی برخوردار است. مسکن فشرده بر روی سطوح پرشیب گسترش یافته اند، بافت روستا متراکم، کوچه ها و معابر تنگ و کم عرض می باشد. براساس نتایج به دست آمده می توان چنین تحلیل کرد که به موزات افزایش ارتفاع، جمعیت کاهش می یابد و این امر در توزیع نقاط سکونتگاهی نیز صادق است. اغلب روستاهای این منطقه جمعیت کم، متوسط و منزوی دارند. کمبود زمینهای هموار، محدودیت کشت آبی، کمبود امکانات و خدمات و درآمد پایین از عوامل محدود کننده در جمعیت پذیری و اسکان روستاها در این منطقه ارتفاعی می باشد.

جدول شماره ۱: چگونگی توزیع جمعیت و سکونتگاهها



شهرستان	بخش	دهستان	جلگه ای	کوهستانی	جلگه ای کوهستانی	جلگه ای جنگلی	کوهستانی جنگلی	سایر
همدان	مرکزی	هگمتانه	۹	۴	۰	۰	۰	۰

### توزیع فضایی پیشنهادی جمعیت سکونتگاههای روستایی دهستان

روستاهای دشتی استان تا ارتفاع ۱۵۰۰ متر در حدود ۵/۸۸ درصد از کل جمعیت ناحیه را در خود جای داده است و این امر در حدود ۶/۰۳ درصد سکونتگاهها است. این بخش از ناحیه به صورت یک دشت هموار با شیب ملایم و کم است و چهره ای یکنواخت دارد. بنابراین توپوگرافی یکی از عوامل طبیعی است که به تنهایی تعیین کننده ویژگی های جغرافیایی است اما تأثیر زیاد آب و هوا و نقش بارز آن در تعیین ساختار الگوی استقرار سکونتگاهها و معیشت نیز کاملاً محرز است. به طور کلی منظر طبیعی و زیستی تحت تأثیر آثار متقابل ناهمواری و اقلیم در یکدیگر انجام می گیرد. از این باب تغییر شکل عوامل جغرافیای طبیعی را می توان بر روی پوشش گیاهی خاک و ذخایر آب و به دنبال آن از نظر سکونتی و معیشتی نیز مشاهده کرد. داده های محیط طبیعی به دلیل تنوع در شکل و ساخت و شیوه دخل و تصرف انسان در محیط طبیعی را تحت تأثیر قرار می دهند و به عبارت دیگر واکنش انسان در محیط و بر محیط بازتابی است از استعدادهای طبیعی که در اختیار انسان قرار دارد. از این دو الگو زیست و معیشت در تمامی ابعاد مربوط به خود و به دنبال آن الگوهای رفتاری انسان در محیط های مختلف کشور شکل یکسانی نداشته و با توجه به محتوای طبیعی شکل های گوناگون و متنوع دارند.

هدف از مطالعه توپوگرافی هم از سویی در درجه اول ارزیابی یا تجزیه و تحلیل آثار ناهمواری ها در پراکندگی یا تجمع سکونتگاهها یا جمعیت و فعالیتها است و با توجه به این نکته است که سکونتگاهها در نقاطی از تراکم برخوردارند که توپوگرافی نقش محدودکننده ای نداشته باشد و به عبارت دیگر فضای جغرافیایی از توپوگرافی خالی است و این امر درباره توزیع کمی و فضایی جمعیت روستاهای دهستان هم صادق است.

این بخش از سکونتگاههای روستای دهستان هگمتانه به صورت یک دشت هموار با شیب ملایم و کم است و چهره ای یکنواخت دارد. بنابراین خصایص جغرافیایی هموار و همگنی بودن در ادوار گذشته شرایط

جغرافیایی خوب و مساعدی برای اسکان انسان داشته است. توزیع فضایی سکونتگاهها نسبت به مناطق مسکونی منظم تر است و فضای جغرافیایی مورد اسکان اینگونه روستاها از نوع محیط پایدار بودن و بافت فیزیکی روستاها به جهت شرایط جغرافیایی باز است. به طور کلی نتایج بدست آمده نشان می دهد که توزیع جمعیت بیشتر از توزیع سکونتگاهها از ارتفاع تبعیت می کند. متناسب با افزایش ارتفاع میزان جمعیت به طور متناسب افزایش یا کاهش می یابد. در استان از تعداد جمعیت و سکونتگاهها متناسب با افزایش ارتفاع کاسته شده ولی روند کاهشی در مورد جمعیت از نظم برخوردار بوده است در حالی که سکونتگاهها چنین نظمی را نشان نمی دهند. محدوده مورد مطالعه ما همان طور که در قبل شرح دادیم از توازن و همگنی در جمعیت و سکونتگاهها برخوردار است. در فضای هموار جلگه ای استان نیز استقرار آبادیها از الگوی کمابیش متمرکز برگستره آبخوانها و خاکهای حاصلخیز برخوردار است. الگوی توزیع فعالیت در کانونهای روستایی در ارتباط متقابل با الگوی توزیع جمعیت و استقرار آبادیهای روستایی است. به عبارت دیگر استقرار فعالیتهای روستایی به پیروی از منابع موقعیت جغرافیایی و طبیعی، شیوه ها و مناسبات تولیدی و همچنین عوامل اکولوژیک ایجاد شده و شکل گرفته است. فعالیت کشاورزی مشتمل بر زراعت، باغداری و دامداری مهمترین فعالیت در کانونهای روستایی دهستان است که به تناسب امکانات و شرایط طبیعی و نیز مزیتهای نسبی در هر ناحیه یکی از انواع فعالیتهای کشاورزی اولویت بیشتری پیدا کرده و به عنوان فعالیت غالب آن ناحیه به شمار می آید. در فضاهای کوهستانی استان، در نواحی کوهپایه ای و در دشتهای مشرف به دامنه ها هر جایی که دسترسی به منابع آب سطحی و یا زیرزمینی بوده، فعالیت های کشاورزی در غالب زراعی (آبی و دیمی) و باغداری انجام می گیرد. در فضاهای مرتفع کوهستانی به دلیل برخورداری از آب و هوای بسیار سرد زمین زراعتی کم و نتیجتاً درآمد کشاورزی ناچیز است. این قلمرو به عنوان ییلاق محل چرای دام مورد استفاده قرار میگیرد و کشاورزی سنتی که زمینه اصلی فعالیت آن دامداری است رایج ترین فعالیت اقتصادی در این قلمرو است. در بخش عمده از فضاهای هموار استان فعالیت باغداری توأم با کشت دیم مشاهده می شود و در حقیقت یکی از بخشهای عمده فعالیتهای کشاورزی در استان به کشت دیم اختصاص یافته است که منطقه مورد مطالعه را هم دربرمیگیرد.

جدول شماره ۲: توزیع جمعیت روستاهای دهستان هگمتانه به تفکیک آبادیها

ردیف	آبادی	خانوار	جمعیت
------	-------	--------	-------

بی سواد	باسواد	زن	مرد			
۴۱۸	۲۲۲۸	۱۳۸۶	۱۵۳۰	۵۶۲	امزاجرد	۱
۳۸	۱۵۶	۱۱۰	۱۱۰	۵۴	بهرام آباد	۲
۱۳	۱۱	۱۱	۱۳	۶	اولیایی	۳
۶۹	۱۶۴	۱۲۰	۱۳۷	۵۵	علی آباد اقی حصار	۴
۳۶	۳۵۰	۷۹	۳۲۸	۳۹	نهران	۵
۱۷	۲۳	۲۶	۲۶	۱۰	قشلاق گمار	۶
۹	۵۳	۳۲	۴۶	۲۹	شهرک صنعتی بوعلی	۷
۷۹۰	۲۹۰۶	۱۹۵۴	۲۱۲۴	۹۰۲	ده پیاز	۸
۲۱۰	۱۷۱۸	۱۲۲۳	۹۰۱	۴۳۶	حسن آباد شورین	۹
۲۲۷	۶۶۳	۴۵۷	۵۱۱	۲۰۱	رباط شورین	۱۰
۳۴۸	۱۷۴۰	۱۰۷۷	۱۱۷۵	۵۶۱	گراچقا	۱۱
۶۹۰	۳۳۹۷	۲۱۶۸	۲۲۸۵	۱۱۳۷	علی آباد پشتشهر	۱۲
۷۸۴	۴۳۵۲	۲۷۵۶	۲۹۰۵	۱۴۴۷	قاسم آباد	۱۳
۳۶۴۹	۱۷۷۶۱	۱۱۳۹۹	۱۲۰۹۱	۱۰۵۰۳	مجموع	

### تعیین مکانهای مرکزی اسکان و جمعیت و تحولات نظام استقرار روستاهای دهستان

هرمنطقه جغرافیایی استعداد محدودی برای تأمین مایحتاج جمعیت معینی دارد: طبیعی است که افزایش جمعیت به بیش از استعدادهای فوق، موجبات مهاجرت و یا افزایش مرگ و میر (به سبب سوءتغذیه و ... با فرض عدم اسکان و تأمین غذا از مناطق دیگر) را فراهم خواهد کرد که نهایتاً جمعیت متناسب با استعدادها باقی خواهد ماند. از آنجایی که مرگ و میر تا حدودی مهارشده، فشار برای مهاجرت بیشتر شده

است. مهاجرت نیز در شرایط فعلی کشور یک معضل اساسی می باشد که چالش های متعددی برای اقتصاد کشور یا منطقه مورد نظر فراهم کرده است. بطور کلی وضعیت جغرافیایی و منابع طبیعی رابطه تنگاتنگی با توسعه اقتصادی دارد چراکه اگر منابع طبیعی را به آب و خاک محدود کنیم و عوامل جغرافیایی که به چند عامل دیگر از قبیل آب و هوا و اقلیم و پوشش گیاهی، توپوگرافی و شیب و فرسایش، جنس خاک و زمین شناسی و منابع آبهای سطحی و زیرزمینی و ... تقسیم می شود که تمامی عوامل مذکور ارتباط مستقیمی با توسعه اقتصادی داشته بعنوان مثال آب و هوا، نوع پوشش گیاهی، فرسایش و درصد شیب، جنس خاک و میزان آبهای سطحی و زیرزمینی در محیط های روستایی به عنوان امکانات بالقوه توسعه اقتصادی بسیار حائز اهمیت می باشند. چنانچه روستاییان با کمبود آب مواجه باشند در تنوع محصولات و تولیدات آب با مشکل مواجه خواهند شد و اگر خاک نامناسب باشد عملکرد در هکتار محصولات قطعاً پایین خواهد بود و در میزان درآمد روستاییان و وضعیت اقتصادی آنها تأثیرگذار خواهد بود. نظام استقرار جمعیت و فعالیت در هر منطقه متأثر از محدودیتها و امکانات طبیعی و مصنوعی (ساخت انسان) است. از جمله مهمترین عوامل طبیعی و اکولوژیک تأثیر گذار بر روی نظام استقرار جمعیت و فعالیت می توان به منابع آب و خاک پوشش گیاهی، اقلیم، توپوگرافی، شیب و ... اشاره نمود. خاک و آب مهمترین عوامل طبیعی در شکل گیری سکونتگاههای روستایی هستند. لذا در دشتهای بویژه آبخوانها به دلیل برخورداری از منابع آب و خاک بالنسبه مناسب، تراکم و فشردگی کانونهای زیستی بیشتر است. در یک نگاه کلی به مناطق روستایی استان می توان به این نتیجه رسید که روستاهای این استان عمدتاً در داخل دره ها و در حاشیه رودخانه ها به صورت خطی استقرار یافته اند. از طرف دیگر روستاهای بزرگ در حول کانونهای شهری استان شکل گرفته اند. وجود روستاهای قدری جمعیت فشرده در پهنه دشتهای از جمله روستاهای دهستان هگمتانه با تکیه بر منابع آب رودخانه ها، چشمه ها و آبخوانها، فعالیت کشاورزی بطور عمده زراعت و باغداری از ویژگی های بارز آبادی نشینی در استان همدان است.

از نظر جغرافیایی نحوه استقرار روستاهای دهستان که در فضای هموار واقع شده به این شرح است: روستاهای واقع شده در دشتهای استان که عمدتاً به شکل مجتمع های طولی یا به شکل مجتمع های متراکم برگستره آبخوانه ها مشاهده می شود. در دشتهای منطقه به تناسب منابع آب و خاک، موقعیت طبیعی و قابلیت محیطی معمولاً الگوی متراکمی از استقرار به وجود آمده است. قابلیت دسترسی یکی دیگر از عوامل مهم در زمینه نظام اسکان و فعالیت انسانها است که به نوبه خود نیز متأثر از وضعیت شیب

زمین می باشد زیرا عدم امکان دسترسی به مکانها می تواند تمامی کوششها برای توسعه را بی اثر نماید. به جز خاک و سایر عناصر در یک شیوه زندگی عقب مانده اثرات اقلیم بر روی فعالیتهای ساکنین این منطقه به ویژه روستاییان آن قدر حیاتی است که نه در حال حاضر که در همه جا و در تمامی اعصار کشاورزان و عشایر سعی داشته اند که فعالیت آن با نوسانات و تغییرات و تحولات ناگهانی کمترین تأثیر را بر روی زندگی آنها داشته باشد. کاشت و برداشت محصولات در موقع مناسبی از سال صورت می گیرد و همچنین نحوه حفظ محصول در مقابل سرما و گرمای شدید شکل گیری تیپ خاصی از معماری جهت تقلیل شرایط اقلیم باشد و بیلاق و قشلاق رفتن در مواقع مشخصی از سال صورت پذیرد. تحت تأثیر شرایط اقلیمی محدوده مورد مطالعه دارای دو تیپ مشخص اقلیم کوهستانی و دشتی است. از سویی بیشترین وسعت منطقه در محدوده دشتی واقع است به دلیل داشتن منابع آبی دارای اقلیم نسبتاً معتدل در اغلب اوقات سال محلی برای جذب جمعیت و ادامه روند فعالیت انسانها می باشد و برای استقرار جمعیت مانع عمده ای بوجود نمی آورد. در نواحی هموار منطقه هم جمعیت بیشتری ساکن هستند و هرچه به ارتفاعات برویم از نقاط سکونتگاهی و جمعیتی کاسته میشود. فضای جغرافیایی مورد اشغال این گونه روستاها از نوع محیط پایدار بوده و بافت فیزیکی روستاها به جهت شرایط جغرافیایی باز است.

## نتیجه گیری

سکونتگاههای روستایی استان همدان در طی سالهای متمادی و با توجه به خصوصیات طبیعی - اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته اند. در این استان روستاها در چند وضعیت جغرافیایی مستقرند. گروهی در جلگه ها و دشتها و گروهی در نواحی کوهستانی یا دامنه قرار دارند که به تبع آنها جمعیت روستایی نیز به همین حال تقسیم و پراکنده شده است. با توجه به مطالب بالا در استان همدان محل ایجاد روستاهای آن و یا گسترش آنها، بقاء یا نابودی مسکونی و آبادیها علاوه بر شکل جغرافیایی و طبیعی زمین، متأثر از عوامل زیر نیز هستند:

- رودخانه های اصلی و فرعی و آب

- استعداد خاک و زمین برای زراعت یا دامداری

- راه ها و وسایل ارتباطی

- مراکز اقتصادی برای فروش تولدیات یا تهیه مواد اولیه و مورد نیاز

- سایر خدمات عمومی و رفاهی

- قومیت فرهنگی ملی

روستاهای دهستان هگمتانه در نواحی دشتی واقع شده اند و از سوی دیگر مستثنا از مواردی که برشمردیم نیست و توزیع فضایی آنها در ابتدا متأثر از محیط طبیعی آنها می باشد. از سوی دیگر نظام استقرار روستاهای دهستان در وهله نخست به منبع عوامل و مقتضیات تاریخ طبیعی و سپس بر مبنای نیروها و عوامل اقتصادی - اجتماعی شکل گرفته و موجودیت یافته است. به عبارت دیگر تحولات اجتماعی - فرهنگی نیز یکی دیگر از عوامل موثر در شکل دهی نظام استقرار سکونتگاهها محسوب می شود.

عامل فرهنگی به عنوان یکی از قوی ترین عوامل در نحوه توزیع و پراکنش سکونتگاههای روستایی دهستان عمل نموده است. آنچه که از گذشته های نه چندان دور موجب اتصال یا انفصال ساکنان امروزی آبادیها شده است. پیوندها و وابستگی های قومی و طایفه ای حاکم بوده است. این عامل به ویژه پس از فروپاشی ساختار نظام کوچ روی و شکل گیری سکونتگاههای دائمی در پی روندهای خود به خودی وبدون برنامه اسکان موجب پراکندگی مفرط مکانی در وسعت ناچیز آبادیهای موجود شده است. نظر به این که تشکیل استان همدان در سالهای گذشته متأثر از اجتماع مناطق جغرافیایی و قومی خاصی بوده است.

ساکنان این استان را گروه های اجتماعی و قومی متنوعی تشکیل داده اند. مانند کرد، لر، ترک و فارس و از نظر مذهب همسانی و همگنی زیادی بین آنها به چشم می خورد. اکثریت قریب به اتفاق ساکنان این استان پیرو دین اسلام می باشند. شبکه راههای ارتباطی و وسایل ارتباطی زیربنای اصلی توسعه در تمام جوامع به شمار می آیند و از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نظام استقرار آبادیها به شمار می آیند. جابه جایی کالا و حرکت انسان بین نقاط مختلف که با وجود شبکه راهها و وسایل ارتباطی امکان پذیر گردیده خود موجب برخورد فرهنگ ها و شیوه های زندگی گوناگون بین جوامع روستایی مختلف که در مقصد قرار دارند، شده است. نقش اصلی ارتباطات جاده ای روستاهای دهستان به عهده راههای اصلی و فرعی می باشد. مهاجرت نیز به عنوان یک عامل اجتماعی تأثیر بارزی در نظام استقرار منطقه دارد. نظام استقرار در منطقه به تبعیت از الگوی زیست حرکتی جمعیتی نشانگر تجمع و تراکم جمعیت در اعماق دره ها، حاشیه رودخانه ها و حول کانونهای شهری است و در مناطق بسیار مرتفع استان و همچنین در گستره

های شرقی و جنوب شرقی، روستاها کم جمعیت بوده است. تمرکز فعالیت‌های کشاورزی ترکیبی از زراعت، باغداری و دامداری روستایی است که عمدتاً در دشتهای و فضاها هموار روستاها است و عمده کانونهای پرجمعیت روستایی نیز در این فضاها استقرار یافته است. ساختار اجتماعی حاکم در این فضاها دهقانی است و سایر فضاها که به عنوان فضاها دامداری تلقی شده، عرصه های مرتعی است که گستره فعالیت دامداری عشایری قلمداد می شود که از دیرباز زمینه اصلی فعالیت‌های سنتی در روستاها بوده است. نظام استقرار در این فضاها به صورت چادر نشینی و تلفیقی از چادر نشینی و روستا نشینی است. به اقتضای ضرورت‌های دامداری عشایری که به تعلیف دام از مراتع استوار است. عشایر همراه با دام و رویش مرتع در قلمرو منطقه طبق قاعده و قراری مشخص جابجا میشوند. بخشی از سرزمین بیلاقی است که محل استقرار تابستانی عشایر است که به ارتفاعات می روند و بخشی از این فضاها قشلاقی است و محل استقرار زمستانه عشایر است که به نواحی دشتی و روستاها برای زمستان گذرانی می آیند که درسیاه چادرها و یا ساختمانها مستقرند. بدین ترتیب شیوه تولید و فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بارز و چشم گیری در نظام استقرار داشته است.

## پیشنهادات

- ایجاد زمینه توسعه پایدار و موزون روستایی و هماهنگ با توسعه کشور
- حرکت به سمت جایگزینی برنامه ریزی فضایی - منطقه ای با برنامه ریزی بخشی
- حمایت از نظم دهی فضایی به استقرار سکونتگاههای روستایی و کوشش در جهت مکانیابی موثر فضایی استقرارگاههای جدید
- اصلاح شبکه فضایی سلسله مراتبی سکونتگاههای روستایی و تقویت ارتباطات بین روستایی
- بهسازی استقرار فضایی سکونتگاههای روستایی
- توسعه و بهبود وضعیت کالبدی سکونتگاههای روستایی
- مکانیابی روستایی در انطباق با توزیع فضایی امکانات محیطی و متناسب با توزیع جغرافیایی مراکز جمعیتی در سطح نواحی

- ارتقاء و بهبود زیرساختهای اقتصادی - اجتماعی در سکونتگاههای روستایی
- ساماندهی و بهسازی کالبدی سکونتگاهها در مقیاس پهنه ای و محلی
- ظرفیت سازی اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک به منظور تسهیل در رشد و توسعه روستاهای پیرامونی
- تقویت مدیریت محلی ( در سطح بخش و شهرستان) در جهت توسعه مکمل و متوازن شهر و روستا
- طرح و نظارت بر رشد و گسترش مناسب فیزیکی سکونتگاههای روستایی
- تقویت و حمایت از عملکردهای فضایی و ناحیه ایی سکونتگاههای روستایی در کنار عملکردهای کانونی و محلی
- برنامه های اجرایی تعدیل کننده عدم تعادل های فضایی و تنظیم شده روابط شهر و روستا
- ظرفیت سازی قانونی حقوقی و اداری - اجرایی برای حفاظت از منابع پایه اکولوژیک
- منطقه بندی سرزمین در جهت بهره وری متناسب با توان و ظرفیتهای اکولوژیکی
- تنوع بخشی به فعالیتهای و افزایش فرصتهای شغلی و درآمدی در بخشهای غیرکشاورزی
- توسعه فعالیتهای صنعتی و معدنی در نقاط روستایی
- توسعه زیرساختها و خدمات پشتیبان تولیدات صنعتی در مناطق روستایی
- توسعه و بهره گیری از قابلیتها و ظرفیتهای توریستی و اکوتوریسم فضاهاى روستایی



## منابع

- ۱- آسایش ، حسین /اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی/انتشارات دانشگاه پیام نور/۱۳۷۴
- ۲- آسایش ، حسین /کارگاه برنامه ریزی روستایی/انتشارات دانشگاه پیام نور/۱۳۷۴
- ۳-الکساندر، کریستوفر و سرج چرمایف/عرضه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی/منوچهر مزینی / انتشارات دانشگاه تهران/۱۳۷۱.
- ۴-باستیه،ژان و برناردز/شهر/علی اشرفی/انتشارات دانشگاه هنر/۱۳۷۷.
- ۵-بحرینی،سید حسین/تحلیل فضاهاى شهری/انتشارات دانشگاه تهران/۱۳۷۵.
- ۶-بحرینی،سید حسین/فرایند طراحی شهری/انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷-ترنر، تام/شهر همچون چشم انداز/فرشاد نوریان/شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری/۱۳۷۶.
- ۸-حیبی،سید محسن/مدیریت شهری و روستایی/مجله شهرداری ها، شماره ۹/سازمان شهرداریهای کشور/۱۳۷۸.ب.
- ۹-حسینی حاصل، صدیقه سعیدی، عباس/شالوده مکانیابی واستقرار روستاهای جدید/انتشارات شهیدی/۱۳۸۷
- ۱۰-دهخدا،علی اکبر/لغت نامه/انتشارات دانشگاه تهران/۳-۱۳۷۲.
- ۱۱-ذکاوت، کامران/پایداری هویت در روستاها/نشریه شهرداریها ، ۱۳۸۰.
- ۱۲-سعیدی ، عباس/سطح بندی روستاهای کشور/انتشارات شهیدی/۱۳۸۸
- ۱۳-طالب ، مهدی/مدیریت روستایی در ایران/انتشارات دانشگاه تهران/۱۳۷۶
- ۱۴-فیروزنیا ، قدیر/جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران/انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران/۱۳۸۲
- ۱۵-کسمایی،م/قلیم و معماری/انتشارات بازتاب/۱۳۷۸.
- ۱۶-مهاجرى ، علیرضا/مبانی روش تحقیق/انتشارات لنجان/۱۳۸۶
- ۱۷-یاسوری، مجید- تقیلو، علی اکبر/ساماندهی فضایی سلسله مراتب سکونتگاههای روستایی/فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۱/سال اول ۱۳۸۵